

۱۷۲۰۹۴۹

# تاریخ اجتماعی

## مسائل، راهبردها و روش‌ها

مایلز فربرن

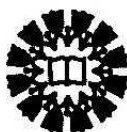
ترجمه

دکتر ابراهیم موسی‌پور بشلی

محمد ابراهیم باسط

تهران

۱۳۹۴



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)  
مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

Fairburn, Miles

سرشناسه: فتربرن، مایلز

عنوان و نام پدیدآور: تاریخ اجتماعی (مسائل، راهبردها و روش‌ها) / مایلز فتربرن؛ ترجمه ابراهیم موسی‌پور بشلی.

مشخصات نشر: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: پانزده، ۴۰۸ ص.

فروست: «سمت»؛ ۱۸۹۰. تاریخ؛ ۴۵.

شابک: ۵-۱۴۲-۰۲-۰۶۰۰-۹۷۸-۱۴۵۰۰۰ ریال.

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Social History (Problems, Strategies and Methods).

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتابخانه: ص. ۳۹۸-۴۰۴.

یادداشت: نمایه.

موضوع: تاریخ اجتماعی — روش‌شناسی

شناسه افزوده: موسی‌پور بشلی، ابراهیم، ۱۳۵۵-، مترجم.

شناسه افزوده: باسط، محمدابراهیم، ۱۳۶۲-، مترجم.

شناسه افزوده: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۹ ف ۲ / ت ۲۸ HN

رده‌بندی دیویی: ۳۰۶/۰۹

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۱۴۶۶۵

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)

مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی



Social History (Problems, Strategies and Methods); Miles Fairburn. New York: St. Martin's Press, 1999.

تاریخ اجتماعی (مسائل، راهبردها و روش‌ها)

نویسنده: مایلز فتربرن

مترجمان: دکتر ابراهیم موسی‌پور بشلی و محمدابراهیم باسط

چاپ اول: بهار ۱۳۹۴

تعداد: ۱۰۰۰

حروفچینی و لیتوگرافی: «سمت»

چاپ: فرهنگ (قم)، صحافی: زرین (قم)

قیمت: ۱۴۵۰۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشندگان و عوامل توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

نشانی ساختمان مرکزی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)،

روبه‌روی پمپ گاز، کد پستی ۱۴۶۳۶، تلفن ۴۴۲۴۶۲۵۰-۲

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، نشر یا پخش یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

## سخن «سمت»

یکی از هدفهای مهم انقلاب فرهنگی، ایجاد دگرگونی اساسی در دروس علوم انسانی دانشگاهها بوده است و این امر، مستلزم بازنگری منابع درسی موجود و تدوین منابع مبنایی و علمی معتبر و مستند با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی در مبنایی و مسائل این علوم است.

ستاد انقلاب فرهنگی در این زمینه گامهایی برداشته بود، اما اهمیت موضوع اقتضا می کرد که سازمانی مخصوص این کار تأسیس شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۱۲/۷ تأسیس «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها» را، که به اختصار «سمت» نامیده می شود، تصویب کرد.

بنابراین، هدف سازمان این است که با استمداد از عنایت خداوند و همت و همکاری دانشمندان و استادان متعهد و دلسوز، به مطالعات و تحقیقات لازم بپردازد و در رشته های مختلف علوم انسانی به تألیف و ترجمه منابع درسی اصلی، فرعی و جنبی اقدام کند.

دشواری چنین کاری بر دانشمندان و صاحب نظران پوشیده نیست و به همین جهت مرحله کمال مطلوب آن باید به تدریج و پس از انتقادهای و یادآوریهایی ارباب نظر به دست آید. انتظار دارد که این بزرگواران از این همیاری و راهنمایی دریغ نورزند و با پیشنهادهای اصلاحی خود، این سازمان را در اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

کتاب حاضر برای جامعه علمی تاریخ و دانشجویان این رشته در مقاطع تحصیلی مختلف به عنوان یکی از منابع قابل استفاده برای سرفصلهای تاریخ اجتماعی در واحدهای درسی مختلف رشته تاریخ ترجمه شده است. امید است که علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه مندان نیز از آن بهره مند شوند.

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان                                                               |
|------|---------------------------------------------------------------------|
| هفت  | درباره این مجموعه                                                   |
| نه   | مقدمه بر ترجمه فارسی                                                |
| ۱    | مقدمه                                                               |
| ۲۱   | فصل اول: مسئله مقوله‌های اجتماعی غایب                               |
| ۳۷   | حالت‌های پژوهش                                                      |
| ۴۲   | مورد شکل‌گیری طبقه کارگر انگلستان نوشته ای. پی. تامپسون             |
| ۴۹   | مورد مدیریتانه‌ای‌ها و جهان مدیریتانه‌ای در عصر فیلیپ دوم نوشته ... |
| ۵۳   | خلاصه                                                               |
| ۵۷   | فصل دوم: مسئله تعمیم‌دهی بر اساس شواهد پراکنده                      |
| ۶۷   | روش‌های تقویت اثبات بر اساس مثال                                    |
| ۷۹   | خلاصه                                                               |
| ۸۳   | فصل سوم: چند راه‌حل برای مسئله شواهد پراکنده                        |
| ۸۳   | ۱. مورد حساس                                                        |
| ۸۴   | ۲. برآورد از روی موارد قابل مقایسه                                  |
| ۸۷   | ۳. بیشینه‌سازی وزن و تنوع مشاهدات                                   |
| ۱۰۴  | ۴. حذف فرضیه‌های رقیب (فرضیه و استنتاج / استدلال برای رسیدن به ...) |
| ۱۱۲  | ۵. منطق موقعیتی                                                     |
| ۱۱۴  | نتیجه‌گیری                                                          |
| ۱۱۹  | فصل چهارم: مسئله تعیین علت‌های مهم                                  |
| ۱۲۷  | ایرادهای استاندارد تحلیل علی                                        |
| ۱۳۱  | روشن‌سازی مسائل: دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی اثر تدا اسکاچپول      |
| ۱۴۰  | ارزیابی موفقیت اسکاچپول در مواجهه با مسائل مقایسه نظام‌مند          |
| ۱۵۰  | نتیجه‌گیری                                                          |

|     |                                                                       |
|-----|-----------------------------------------------------------------------|
| ۱۵۳ | فصل پنجم: مسئله اثبات شباهت‌ها و تفاوت‌ها - یک کاسه‌سازی و جداسازی    |
| ۱۵۹ | علت‌های بروز مسئله و راهبردهایی برای مدیریت آن                        |
| ۱۶۸ | مورد بذر آل‌بین: چهار روش قومی در امریکا اثر دیوید فیشر               |
| ۱۷۹ | مورد زندگی دهقانی در شمال شرق اسکاتلند ۱۸۴۰-۱۹۱۴؛ کشور مردمان ...     |
| ۱۸۷ | مورد خاستگاه‌های فردباوری انگلیسی: خانواده، مالکیت، گذار ...          |
| ۱۹۲ | نتیجه‌گیری                                                            |
| ۱۹۸ | فصل ششم: شمردن یا نشمردن؟                                             |
| ۲۰۳ | دلایل مخالفت با کمی‌سازی انبوه                                        |
| ۲۱۷ | روشن‌سازی مسائل: مورد قرن پر آشوب (۱۸۳۰-۱۹۳۰) اثر چارلز، لوئیس و ...  |
| ۲۲۸ | روشن‌سازی مسائل: مورد بوستونی‌هایی متفاوت؛ فقر و پیشرفت در ...        |
| ۲۳۷ | نتیجه‌گیری                                                            |
| ۲۴۲ | فصل هفتم: مسئله شواهد اجتماع‌ساخته                                    |
| ۲۴۷ | روش مقایسه روندهای مشاهدات با روندهای پاسخ کنترل: وی. ای. سی. ...     |
| ۲۵۸ | روش تفسیری: عارضه زنانه: زنان، جنون، و فرهنگ ...                      |
| ۲۶۸ | تاریخ شفاهی و روش بیشینه‌سازی وزن و تنوع شواهد: بجرخ ...              |
| ۲۷۴ | نتیجه‌گیری                                                            |
| ۲۷۸ | فصل هشتم: مسئله مفاهیم مناسب                                          |
| ۲۸۵ | سنت هرمنوتیکی                                                         |
| ۳۰۳ | مدل‌های برون‌نگرانه در برابر مدل‌های درون‌نگرانه                      |
| ۳۰۵ | جنبه‌های مسئله‌ساز هستی‌شناسی هرمنوتیکی                               |
| ۳۱۵ | نتیجه‌گیری: راهبرد پیشنهادی                                           |
| ۳۲۲ | فصل نهم: مسئله تعیین بهترین تبیین                                     |
| ۳۳۱ | یافتن یک راهبرد مناسب برای ارزش‌گذاری مقایسه‌ای نظریه‌های تبیینی رقیب |
| ۳۴۳ | نظریه اول: آدم‌های معمولی اثر کریستوفر براونینگ                       |
| ۳۵۷ | نظریه دوم: جلادان آماده به خدمت هیتلر اثر گلدهاگن                     |
| ۳۷۳ | براونینگ یا گلدهاگن؟                                                  |
| ۳۷۶ | نتیجه‌گیری                                                            |
| ۳۸۳ | واژه‌نامه توصیفی                                                      |
| ۳۸۹ | واژه‌نامه                                                             |
| ۳۹۸ | کتاب‌شناسی                                                            |
| ۴۰۵ | نمایه                                                                 |

## دربارهٔ این مجموعه

مجموعهٔ «نظریه و روش در مطالعات تاریخی»، که کتاب حاضر در زمرهٔ آن قرار می‌گیرد، مجموعه کتاب‌هایی است که به قصد رفع خلأهای نظری و روش‌شناختی در تمامی شاخه‌های مطالعات تاریخی در ایران، اعم از تاریخ سیاسی-اجتماعی، تاریخ علم، تاریخ ادیان و تاریخ ادبیات و هنر، فراهم آمده و البته دامنهٔ موضوعی آن تا برخی زمینه‌های پیرامونی اما مرتبط، نظیر شیوه‌های «تعلیم و تدریس» تاریخ‌پژوهی جدید، نیز بسط یافته است. این مجموعه محصول اجرای یکی از طرح‌های «نیازسنجی منابع درسی و مبنایی برای دانشگاه‌ها» است که از سال ۱۳۸۱ در «سمت» آغاز گردیده و همچنان ادامه دارد.

در سال‌های نخست اجرای این طرح، مسئولیت انتخاب کتاب‌هایی برای ترجمه در این موضوعات به نگارندهٔ این سطور واگذار گردید و البته در سال‌های اخیر، پژوهشگران و همکاران دیگری نیز در این مهم «سمت» را یاری رسانده‌اند. از ابتدا اهتمام بر این بوده که انتخاب گزینه‌های ترجمه در این مجموعه بر اساس برنامه‌ای نظام‌مند و منضبط صورت پذیرد. جستجو و رصد بازار بین‌المللی کتاب، مکاتبات و رایزنی‌ها با متخصصان مربوط در خارج از کشور، و نظرخواهی از معدودی متخصصان داخلی در قالب پرسشنامه‌هایی مبسوط و خاص، از جمله مراحل این فرایند گزینش بوده، و در انتخاب کتاب‌ها، کوشش شده است تا علاوه بر اعتبار علمی و غنای محتوا، واقعیت‌های نظام دانشگاهی ایران و سطوح مختلف دانش مخاطبان نیز مد نظر قرار گیرد و حتی الامکان عناوینی مکمل یکدیگر فراهم آید.

فهرست جامع و روزآمدی از عناوین این مجموعه، در انتهای هر مجلد، جهت اطلاع خوانندگان علاقه‌مند، ضمیمه گردیده و بی‌تردید، این فهرست بر اساس

نیازسنجی‌های آتی «سمت» گسترش خواهد یافت. نباید از نظر دور داشت که فهرست کنونی با فهرست آرمانی نخست، که از رهگذر جستجوها و راینی‌های گسترده حاصل آمده بود، تطابق کامل ندارد و برخی محدودیت‌های عالم واقع، نظیر قلت نیروی انسانی متخصص در جامعه دانشگاهی ایران برای ترجمه یا ویرایش علمی این گونه متون، موجب اعمال تغییراتی ناگزیر و ناخواسته در اولویت‌ها و برنامه‌ریزی‌های این مجموعه گردیده و حتی زمان نشر آثار را نیز برخلاف زمان‌بندی مقرر در طرح نیازسنجی اولیه رقم زده است. امید است در نتیجه اقبالی روزافزون که این سال‌ها در محافل علمی کشور به چنین مباحثی مشهود است، در آینده‌ای نزدیک، کفایتی کمی و کیفی در متخصصان این حوزه‌ها دست دهد، تا افزون بر توان ترجمه، توان تولید علم بومی نیز در این زمینه‌ها حاصل آید.

در پایان، لازم است مساعدت‌ها و مساعدی تمامی متخصصان، مشاوران و مترجمانی را که در شکل‌گیری این مجموعه به گونه‌ای سهیم بوده‌اند، و نیز کوشش‌های دکتر زهیر صیامیان گرجی را، که در به ثمر رساندن چند عنوان متأخر از این مجموعه سهمی بسزا داشته است، سپاس بگزارم.

مهدی احمدی

دبیر علمی تدوین مجموعه

## مقدمه بر ترجمه فارسی

با آنکه دست کم در پنجاه سال گذشته و مشخصاً از دهه ۱۹۷۰ میلادی، تاریخ اجتماعی به رویکرد اصلی و غالب در مطالعات تاریخی در جهان غرب تبدیل شده و حتی در ترکیه و شبه قاره نیز کمابیش همپای اروپا و امریکای شمالی مورد توجه مراکز آموزشی و پژوهشی قرار گرفته است، هنوز هم همه دانشکده‌ها و پژوهشکده‌های مرتبط با تاریخ پژوهی در ایران همچنان براساس نگرش‌های سنتی به آموزش و مطالعه تاریخ می‌پردازند. با وجود آنکه برخی کتاب‌ها با عنوان تاریخ اجتماعی یا تاریخ سیاسی و اجتماعی در حوزه تاریخ ایران نوشته و منتشر شده‌اند، با نگاهی به محتوای آنها معلوم می‌شود که عملاً هیچ‌یک از آنها در حوزه تاریخ اجتماعی و منطبق با روش‌شناسی این دانش تدوین نشده‌اند. با این حال، در ده سال اخیر در برخی مراکز پژوهشی در ایران به روش‌شناسی تاریخ اجتماعی نوین توجه شده و تلاش‌های مقدماتی برای ترویج این روش‌شناسی کاربردی صورت گرفته است. بنیاد دائرة المعارف اسلامی از سال ۱۳۸۵ با راه‌اندازی یک گروه تخصصی، پژوهش‌های دانشنامه‌ای در زمینه تاریخ اجتماعی اسلام را آغاز کرده و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز در سال ۱۳۹۰ مجله علمی - پژوهشی تحقیقات تاریخ اجتماعی را تأسیس کرده است. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین نیز در دوره دکتری تاریخ و تمدن اسلامی واحد درسی تاریخ اجتماعی اسلام را مصوب کرده و اولین دوره آموزشی این درس در ایران در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ برگزار شده است. همه این تلاش‌ها نیازمند آن است که ابتدا شماری از بهترین و کارآمدترین متون تخصصی روش‌شناختی در زبان فارسی تألیف یا ترجمه شود و این وظیفه‌ای است که سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) در همین راستا بر عهده گرفته است. با ترجمه و انتشار متون روش‌شناختی تاریخ

اجتماعی به زبان فارسی طبعاً گروه بزرگ تری از تاریخ پژوهان و دانشجویان تاریخ با ادبیات و رویکرد و زبان فنی تاریخ اجتماعی آشنا می شوند، به ویژه آنکه تا پیش از انتشار تولیدات «سمت» در این حوزه، به جز چند مقاله، مصاحبه و سخنرانی و تعداد کمتری هم مقالات ترجمه ای<sup>۱</sup>، هیچ منبع کاملی برای آشنایی با روش شناسی و روش تحقیق در تاریخ اجتماعی به فارسی در دسترس نبوده است. هر چند برخی از محققان و مدرسان این حوزه در تلاش اند تا یک روش شناخت بومی و معطوف به مقتضیات محلی برای این دانش در جهت استفاده دانشجویان مسلمان و به ویژه ایرانی به دست دهند (این طرح ها در «سمت» در حال اجراست)<sup>۲</sup>؛ ترجمه متون

۱. برای نمونه: «مرخان و تاریخ اجتماعی در گفت و گو با دکتر تورج اتابکی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال هفتم، شماره ۷۳، آبان ۱۳۸۲، ص ۱۹۶؛ داریوش رحمانیان، «پیدایش تاریخ اجتماعی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۱۲، شهریور ۱۳۸۶، ص ۱۳-۴؛ «مسائلی در باب تاریخ اجتماعی و تاریخ نگاری اجتماعی در گفت و گو با دکتر شیرین بیانی، دکتر حسین مفتخری و دکتر محمدرضا جوادی یگانه»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، همان شماره؛ ابراهیم موسی پور، «تاریخ اجتماعی: رویکردی نوین به مطالعات تاریخی»، تاریخ و تمدن ملل اسلامی، نیمسال نامه تخصصی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۴۱-۱۵۶؛ همو، «رویکردی نوین در مطالعات تاریخی»، گفت و گوی حسین بیاتلو با ابراهیم موسی پور در مجله زمانه، نامه اندیشه، فرهنگ و ادبیات، دوره جدید، شماره ۱۲، اردیبهشت ۱۳۹۰، ص ۵۴-۵۶؛ همو، «شایسته و نشایسته در مطالعات محلی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۶۸، اردیبهشت ۱۳۹۱، ص ۳۰-۳۴؛ «سویه های تاریخ محلی در گفت و گو با دکتر مرتضی نورانی و دکتر ابراهیم موسی پور» کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، همان شماره، ص ۱۷-۴؛ آنتونی پروست، «بررسی تاریخ نگاری، در تاریخ اجتماعی فرانسه چه اتفاقی رخ داده است؟»، ترجمه حسن زندیه، ماهنامه پژوهشگران، سال ۱۷، شماره ۱۸-۱۹، آبان و آذر ۱۳۸۸، ص ۲۷-۳۵؛ جی. جین هکت، «تاریخ اجتماعی»، ترجمه حسن زندیه، فصلنامه تاریخ اسلام، سال دوازدهم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۰، شماره مسلسل ۴۵-۴۶، ص ۱۶۱-۱۸۲.

۲. درس نامه جامع تاریخ اجتماعی که تلاشی است برای به دست دادن مبانی روش شناختی و روش تحقیق در تاریخ اجتماعی اسلام، از طرح های مصوب مرکز مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) است که در آینده نزدیک منتشر خواهد شد.

روش‌شناختی آموزشی متداول در دانشگاه‌های غرب در این زمینه نیز اهمیت خاصی دارد. از میان برخی متون موجود به زبان انگلیسی، غیر از مقالات متعددی که در *ژورنال تاریخ اجتماعی*<sup>۱</sup> از سال ۱۹۶۷ تاکنون منتشر شده (شماری از بهترین مقالات این مجموعه نیز در طرح دیگری در «سمت» در دست ترجمه و تولید است)<sup>۲</sup>، چند کتاب معتبر دیگر هم در این باره در دست است که به جز کتاب حاضر بقیه معطوف به سبک و رویکردی معین در مطالعات تاریخ اجتماعی بوده‌اند. مثلاً در برخی از این آثار، دیدگاه‌های کمی‌نگر غلبه دارد یا رویکرد هرمنوتیکی یا ایدئولوژیک محض، ولی در کتاب حاضر مؤلف کوشیده است که به مسئله روش در تاریخ اجتماعی نگاهی جامع و شامل داشته باشد و بدون جانبداری از یک رویکرد خاص به نقد و بررسی رویکردهای عمده در مطالعات تاریخ اجتماعی در نیمه دوم قرن بیستم بپردازد.

مایلز فربرن<sup>۳</sup>، نویسنده کتاب حاضر، استاد کرسی در دانشگاه کانتربری نیوزیلند بوده است که خود چند پژوهش تاریخ اجتماعی در حوزه اقیانوسیه<sup>۴</sup> در کارنامه دارد و این کتاب را براساس درس گفتارهای خود طی یک فرصت مطالعاتی در سال تحصیلی ۱۹۹۴-۱۹۹۵ در دانشگاه ویکتوریا تدوین کرده است. کتاب فربرن از متون درسی مورد توجه در حوزه تاریخ اجتماعی، به ویژه در کشورهای انگلیسی‌زبان، محسوب می‌شود.

او در این کتاب، ابتدا عمده‌ترین مسائل پژوهش در تاریخ اجتماعی را در قالب عناوین معین دسته‌بندی کرده و ذیل هر عنوان پس از بحثی مقدماتی، یک یا

1. Journal of Social History

۲. مجموعه‌ای از مقالات مفید و راهگشا در حوزه روش‌شناسی و روش تحقیق در تاریخ اجتماعی با عنوان *تاریخ اجتماعی: دانش، روش و آموزش در سازمان «سمت»* در دست انتشار است.

3. Miles Fairburn

4. *The Ideal Society and Its Enemies: The Foundations of Modern New Zealand Society 1850-1900*, Auckland University Press, 1990; *Nearly Out of Heart and Hope, The Puzzle of a Colonial Labourer's Diary*, Auckland University Press 1995; (with Erick Olssen) *Class Gender and the Vote: Historical Perspective from New Zealand*, Otago University Press 2005.

دو اثر کلاسیک<sup>۱</sup> مرتبط با هر یک از آن مسائل را که مهم‌ترین و مشهورترین نمونه‌های آثار مطالعات تاریخ اجتماعی در غرب طی چهل سال گذشته بوده‌اند، به گونه‌ای نظام‌مند مورد نقد و تحلیل قرار داده است. این آثار عبارت‌اند از: شکل‌گیری طبقه کارگر انگلستان اثر ای. پی. تامپسون؛ مدیترانه‌ای‌ها و جهان مدیترانه‌ای در عصر فیلیپ دوم اثر فرنان براودل؛ بحران اشراف‌سالاری اثر لارنس استون؛ پنیر و کرم‌ها: جهان یک آسیابان سده شانزدهمی اثر کارلو گینزبورگ؛ دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی اثر تدا اسکاچپول؛ بذر آلیش: چهار روش قومی در امریکا اثر دیوید فیشر؛ کاهش سرقت و خشونت در انگلستان عصر ویکتوریایی و ادواردی اثر وی. ای. سی. گاترل؛ عارضه زنانه: زنان، جنون و فرهنگ انگلیسی، ۱۸۳۰-۱۹۱۰ اثر الین شوالتر؛ بچرخ جردن، بچرخ: جهانی که بردگان ساختند اثر یوجین دی. گنوز؛ قرن پراشوب ۱۸۳۰-۱۹۳۰ اثر چارلز، لوئیس و ریچارد تیلی؛ بوستونی‌هایی متفاوت: فقر و پیشرفت در کلان‌شهر امریکایی (۱۸۸۰-۱۹۷۰) اثر استفان ترنستروم؛ خاستگاه‌های فردباوری انگلیسی: خانواده، مالکیت، گذار اجتماعی اثر آلن مک‌فارلین؛ زندگی دهقانی در شمال شرق اسکاتلند ۱۸۴۰-۱۹۱۴، کشور مردمان فقیر اثر ایان کارتر؛ آدم‌های معمولی اثر کریستوفر براونینگ و جلادان آماده به خدمت هیتلر اثر گلدهاگن.<sup>۲</sup>

او هم روش‌های متعارف و تجربه‌شده و هم روش‌های ابتکاری این نویسندگان پیشرو را با توجه به موضوع اثرشان و نحوه قرائت آنها از منابع و شواهد و تفسیر و تحلیل آنها و چگونگی استدلال و شیوه تبیینشان نقد و ارزیابی کرده و قوت و ضعف هر یک از آنها را از لحاظ روش‌شناختی باز نموده است. از این رو، این کتاب نه تنها اثری آموزشی در حوزه روش‌شناسی مطالعات تاریخ اجتماعی

۱. کلاسیک در اینجا به اهمیت و شاخص بودن اثر اشاره دارد و گر نه بر آثاری که به روش تاریخ اجتماعی نوشته شده‌اند، زمان زیادی نگذشته است.

۲. شاید همین فهرست کتاب‌هایی که مایلز فریرن آنها را در این کتاب نقد و بررسی کرده است اهمیت و تأثیرگذاری کار او را نشان دهد.

است، اثری سودمند در معرفی و نقد برجسته‌ترین آثار تاریخ اجتماعی نوین در غرب هم به شمار می‌رود و خوانندگان ایرانی را برای مطالعه این دست از آثار مهم تاریخ‌نگاری جدید غربی دستیاری و پشتیبانی می‌کند. از این لحاظ، کتاب فربرن در میان آثار موجود به زبان انگلیسی که به نوعی به روش‌شناسی تاریخ اجتماعی می‌پردازند، اثری منحصر به فرد است و مطالعه آن برای تاریخ‌پژوهان و دانشجویان تاریخ که می‌خواهند با روشهای نوین و روزآمد در مطالعات تاریخی آشنا شوند و از منظری تازه‌تر به بررسی پدیده‌های تاریخی در چارچوب نگرش‌های اجتماعی بپردازند، مفید و راهگشا خواهد بود.

فربرن در پایان این کتاب واژه‌نامه توصیفی مختصری هم فراهم کرده است تا خوانندگان بتوانند از معنایی که او از کلیدواژه‌های مورد استفاده در این اثر مد نظر داشته، درک دقیق‌تری داشته باشند. در ترجمه این کتاب نیز سعی بر آن بوده است که سبک و طرز بیان نویسنده حفظ شود و به ویژه به نوع استفاده او از شمار متنوعی از واژگان علوم اجتماعی یا فلسفه علم در بافتار خاص این کتاب تا حد امکان دقت شده است.

فربرن تمام متن خود را با این فرض نگاشته که خوانندگان او از پیش آثار مورد نقد و بررسی در این کتاب را خوانده‌اند؛ در واقع، تولید روش‌شناسی تاریخ اجتماعی در این کتاب از طریق بازشناسی و نقد و ارزیابی شیوه‌هایی صورت گرفته که شماری از مورخان برجسته اجتماعی در غرب، از دهه‌های گذشته آنها را برای جمع‌آوری و گزینش، تصفیه و تجزیه و تحلیل داده‌های تاریخی به کار برده‌اند. چون اغلب این آثار فاقد مقدمه روش‌شناختی بوده‌اند یا مقدمه روش‌شناختی مبسوط و مشروحی نداشته‌اند، فربرن خود به کاوش و استخراج مبانی و اسلوب روش‌شناختی آنها اقدام کرده و آنگاه نقد خود را بر همین استنباط استوار ساخته است. از این رو بنیاد روش‌شناختی‌ای که فربرن برای مطالعات تاریخ اجتماعی پیشنهاد کرده مبتنی بر تجربه‌های واقعی و متکی بر میراث حرفه‌ای شماری از مشهورترین مورخان اجتماعی در قرن بیستم است و به کلی از نگرش‌های ذهن‌گرایانه

و رایگان گویی های مرسوم در مباحث روش شناختی برکنار و پیراسته است. در واقع فربرن در طرح روش شناختی خود نیز به خوبی به این ارزش علمی که مورد توجه همه اصناف مورخان است وفادار بوده که مورخ باید درباره آنچه واقع شده است سخن بگوید. آنچه در این کتاب آمده همه آن چیزی نیست که از یک دانشجوی تاریخ یا از یک تاریخ پژوه معمولی، یک مورخ اجتماعی کارگشته می سازد. فربرن این کتاب را با توجه به ضرورت ها، امکانات، محدودیت ها و مقتضیات جامعه غربی نگاشته است و جز این هم نمی توانست باشد. با این حال عمده محتوای این کتاب ابعادی عام و فراگیر از مبادی روش شناختی در نگرش و نگارش تاریخ اجتماعی است و مطالعه آن برای هر کسی که بخواهد راه و رسم تاریخ نگاری اجتماعی و بالاتر از آن تحلیل به روش تاریخ اجتماعی را بیاموزد بسیار سودمند و البته بایسته است. این کتاب متنی درسی است و طبعاً استادان ورزیده ای که هم تاریخ اجتماعی غرب را بشناسند و هم شرایط و مقتضیات را، و به اصطلاح خود مورخان اجتماعی مناسبات زیسته دوره اسلامی را در سرزمین های اسلامی بدانند، می توانند با برگرفتن مبانی و صورت بندی های فنی مندرج در این اثر، آن را با مثال ها و رویدادهای اسلامی و ایرانی تجهیز کنند و هنگام تدریس براساس شاخص های انتقادی ای که فربرن در بررسی تحلیل های مورخان غربی از موضوعات فرهنگ زیسته مغرب زمین به دست داده، رویدادهای جهان زیسته اسلامی را ارزیابی کنند و بالاتر از آن، در کنار این طرح پیشنهادی انتقادی فربرن یا در ورای آن به ارائه شاخص های جدید منطبق بر زیست جهان مسلمانان در سرزمین های مختلف پردازند. به هر روی، در حال حاضر و در فقدان روش شناسی های بومی گرای معطوف به زمانه و زمینه زیسته اسلامی یا ایرانی، شاکله روش شناختی ای که فربرن در این کتاب پی ریخته الگویی قابل اتکا و معتبر به شمار می آید و فراگرفتن این نظام روشی چه به قصد گرتة برداری و چه به قصد بهسازی و بازآرایی آن به منظور استفاده از آن در تاریخ اسلام و ایران ضرورتی انکارناپذیر است.

طرح ترجمه این کتاب را از نخستین روزهایی که در سال های آغازین دهه

۱۳۸۰ در بنیاد دائرةالمعارف اسلامی به فکر تأسیس این رشته افتاده بودم در سر داشتیم. دوستان ارجمندی در این کار که مدت‌ها به تأخیر افتاد همراه بوده‌اند و در نهایت با همت سازمان «سمت» ترجمه این اثر به سرانجام رسید. علاوه بر آقای محمدابراهیم باسط که همکار اصلی من در این طرح بوده و انجام یافتن ترجمه و ویرایش و آماده‌سازی نهایی کار به تلاش و همدلی ایشان بستگی تام داشته است، از آقایان محمد محقق نیشابوری، محمد محمودپور، محمد ایمان‌پور و امین مهربانی که در مراحل مختلف این کار از یاری‌شان بهره برده‌ام سپاسگزاری می‌کنم. آقای دکتر زهیر صیامیان گرجی نیز با سخت‌کوشی بر تولید این اثر نظارت داشتند و از این روی از همه این دوستان و همکاران و نیز کارشناسان و همکاران سازمان «سمت»، به ویژه سرکار خانم دکتر شهره روغنی، مدیر پژوهشی، و جناب آقای دکتر حسین مفتخری، مدیر گروه تاریخ، که با روشن‌اندیشی از طرح ترجمه این کتاب پشتیبانی کرده‌اند و سرکار خانم شجاعی، کارشناس گروه تاریخ، برای پیگیری مداوم امور اجرایی کار سپاسگزاری می‌کنم. مسئولیت همه خطاها و لغزش‌هایی که ممکن است در ترجمه راه یافته باشد بر عهده بنده خواهد بود، گو اینکه همه این دوستان برای به ثمر رسیدن ترجمه این متن بسیار کوشیده‌اند.

دکتر ابراهیم موسی‌پور بشلی  
مدیر گروه تاریخ اجتماعی اسلام  
بنیاد دائرةالمعارف اسلامی

## مقدمه

در طول دو یا سه دهه گذشته، تاریخ اجتماعی به توسعه یافته ترین و مطرح ترین حوزه نگارش، پژوهش و آموزش حرفه ای تاریخ در جهان انگلیسی زبان تبدیل شده است. محبوبیت روزافزون این رشته بحث های گسترده و بسیاری درباره آنچه تاریخ نگاران اجتماعی کرده اند، یا می کنند، و درباره آنچه می توانند، آنچه ممکن است بتوانند و باید بکنند، در پی داشته است. با اینکه موضوعات بحث ها درباره این رشته کاملاً گوناگون است، بخش اصلی آنها معطوف به نگرانی های محدودتری است.

نخستین مسئله [ارائه] تاریخ نگاری روشن [ی از این رشته] است. این بحث از بنیاد توصیفی است. این بحث توصیفی به شکل های گوناگون به سرآغاز، ظهور، موقعیت و چشم انداز کنونی این رشته، در مقام یک کل، یا یکی از زیررشته ها یا «مکاتب» بسیارش می پردازد. معمولاً در چنین بحثی به شرح جزء به جزء هدف ها، رهیافت ها، پس زمینه ها و آثار اصلی صاحب نظران پیشرو، تأثیراتی که متصدیان این رشته پذیرفته اند، ویژگی های معرف زیررشته های خاص با شاخه های درون هر زیررشته می پردازند، و تفاوت های تاریخ اجتماعی را با تاریخ «کهن»<sup>۱</sup> (تاریخ سیاسی، اداری، دیپلماتیک، قانونی و زندگی نامه ای که عموماً به شیوه ای روایی ارائه می شود) مشخص می کنند.

پیوند این رشته با علوم اجتماعی مقوله دوم این بحث هاست. بخشی از این بحث، فقط برای آشنا کردن تاریخ نویسان با مفاهیم و نظریه های مختلف علوم اجتماعی (به ویژه جامعه شناسی و انسان شناسی) و برای نشان دادن این امر آغاز شده است که چگونه تاریخ دانان اجتماعی دست اندرکار این مفاهیم و نظریه ها را به نحو

احسن در برخی مطالعات به کار گرفته‌اند. با وجود این، بخش عمده این بحث به چالشی دربارهٔ کل هویت تاریخ اجتماعی در پیوند با تاریخ «کهن» و علوم اجتماعی بدل گشته است. در یک سوی این مجادله، کسانی با این ادعا بوده‌اند که میان تاریخ و جامعه‌شناسی (یا انسان‌شناسی) قرابت ماهوی وجود دارد؛ و کسانی هم تاریخ «کهن» را با این عنوان که صرفاً سخنانی کلی می‌گوید به کنار نهاده‌اند و تأکید کرده‌اند که تاریخ اجتماعی باید یکی یا ترکیبی از رشته‌های جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و جغرافی را سرمشق خود قرار دهد. در سوی دیگر مجادله، پیروان تاریخ «کهن» قرار دارند، که استدلال کرده‌اند تاریخ و علوم اجتماعی ناسازگارند؛ و برخی تاریخ‌دانان اجتماعی که از اثرگذاری علوم اجتماعی بر رشته خود انتقاد کرده‌اند، (محض نمونه) گفته‌اند که علوم اجتماعی برای توضیح امری که محور گذشته است، [یعنی] تغییر در طول زمان، هیچ گونه توانایی‌ای ندارد یا اینکه نظریه‌های علوم اجتماعی بسیار جبری‌اند، و مانند اینها.

بحث انتقادی دربارهٔ این رشته محتوای مقولهٔ سوم را تشکیل می‌دهد. برخی از انتقادهای متوجه زیررشته‌های رایج‌تر بوده‌اند (به ویژه تاریخ ذهنیت<sup>۱</sup>). انتقاد دیگر به کل این رشته وارد شده است؛ می‌گویند (در کنار دیگر گفته‌هایشان) که دست‌اندرکاران [این رشته] غالباً موضوعات پیش‌پاافتاده را مطالعه می‌کنند و سیاست و نخبگان را، که (به ادعای ایشان) اثر بسیار بیشتری بر مردم عادی می‌گذارند، از یاد می‌برند.

مقولهٔ دیگر این بحث مشاجره‌های «مبنایی» تاریخ‌دانان اجتماعی است، بر سر چیستی جامعه، چگونگی شناخت آن (اگر اساساً چنین کاری ممکن باشد) و زبانی که برای سخن گفتن دربارهٔ آن باید برگزید. در واقع این مشاجره‌ها بر سر ماهیت آدمیان به مثابه موجوداتی اجتماعی<sup>۲</sup> بوده است، و دربارهٔ اینکه کدام مکاتب، رهیافت‌ها و نظریه‌های گوناگون تاریخ اجتماعی بهترین راه‌های بررسی و گفت‌وگو دربارهٔ آدمیان به مثابه موجودات اجتماعی را فراهم می‌آورند. بسیاری اوقات، چنین

1. deterministic

2. history of mentalités

3. social beings

مشاجره‌هایی در جریان منازعه بر سر تفاسیر خاصی از گذشته پدید می‌آید. در بیشتر موارد مشاجره‌ها از انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه نظری، و اخیراً به طرز فزاینده‌ای از نظریه ادبی سرچشمه می‌گیرد. مشاجره‌هایی بوده است مثلاً بر سر اینکه آیا کمتی‌سازی<sup>۱</sup> و مدل‌ها<sup>۲</sup> ابزارهای مناسبی برای بازنمایاندن فعالیت جمعی انسان هستند یا نه؟ آیا گذشته اجتماعی را باید به شکل روایی (تاریخ رویداد-محور<sup>۳</sup>) نوشت یا به شکل تحلیلی (تاریخ ساختار-محور<sup>۴</sup>)؟ تاریخ دانان اجتماعی باید ساختارهای کلان را مطالعه کنند یا محیط‌های خرد محلی را؟ آیا فرهنگ/ایدئولوژی برای یک جامعه از نیروهای مادی‌اش یا آرایش اجتماعی‌اش یا ساختار قدرتش بنیادی‌تر است؟ آیا وظیفه تاریخ دانان اجتماعی توضیح علل رفتار بیرونی آدمیان است یا فهم قصدهای<sup>۵</sup> آدمیان و معانی<sup>۶</sup> اجتماعی؟ مفاهیمی که برای تحلیل هر جامعه به کار می‌روند باید از درون آن جامعه استخراج شوند یا از بیرون آن؟ آیا جنسیت<sup>۷</sup> بر طبقه<sup>۸</sup> به منزله مقوله‌ای اجتماعی برتری دارد؟ آیا زبان («گفتمان»<sup>۹</sup>) جهان اجتماعی را می‌سازد (یا «قوام می‌بخشد»<sup>۱۰</sup>)؟

همچنین بحثی با ماهیت توصیه‌ای درباره سازوکارها و فنون گردآوری و پردازش اطلاعات وجود دارد. بخش عمده این بحث دستورالعملی به خوانندگان می‌دهد که مثلاً چگونه به تاریخ شفاهی<sup>۱۱</sup> بپردازند، چگونه گستره‌ای از روش‌های آماری را در مورد داده‌های عددی به کار گیرند، چگونه انواع متفاوت پایگاه‌های داده رایانه‌ای را که برای اهداف خاص طراحی شده‌اند سامان دهند، چگونه منابع داده‌های خام خاصی مانند دست‌نوشته‌های سرشماری و گزارش‌های اهالی محلی را مدیریت کنند، و غیره.

1. quantification
2. models
3. event-oriented history
4. structure-oriented history
5. intentions
6. meanings
7. gender
8. class
9. discourse
10. constitutes
11. oral history

حال به آخرین مقوله بحث درباره این رشته می‌رسیم که به روش‌شناسی<sup>۱</sup> آن می‌پردازد. و همین مرا به موضوع این کتاب می‌رساند.

بحث این کتاب درباره مسائل روش‌شناختی بر مفهوم خاصی از روش‌شناسی استوار است.<sup>(۱)</sup> برخی از دست‌اندرکاران و دانشجویان، «روش‌شناسی» را با حوزه پژوهشی خاصی یا زیررشته یا ژانری تخصصی همراه می‌کنند. برای همین، هنگامی که می‌پرسند «روش‌شناسی شما چیست؟» منظورشان چیزی مانند این است: «آیا در زمینه تاریخ زنان<sup>۲</sup> کار می‌کنید؟»، یا «آیا مشغول تحقیق در تاریخ اقتصادی هستید؟» یا «آیا شما بر مبنای تاریخ اجتماعی بر تاریخ بریتانیای سده نوزدهم تمرکز کرده‌اید؟» یا «چون یک تاریخ‌دان اجتماعی هستید، آیا در ژانر تاریخ ذهنیت‌ها کار می‌کنید؟»، ولی تعریف من تصورات رشته‌ای، ژانری و زیررشته‌ای را کنار می‌گذارد. این تعاریف بیش از حد گسترده‌اند.

تصور دیگری که غالباً با روش‌شناسی همراه می‌شود شیوه گردآوری و پردازش اطلاعات است. برای همین، گاهی تاریخ شفاهی را نوعی روش‌شناسی می‌خوانند، همان‌طور که بهره‌گیری از روش‌های کمی‌سازی انبوه<sup>۳</sup> را چنین می‌خوانند؛<sup>(۲)</sup> ولی در عین حال که این تصور به تعریف من نزدیک‌تر است، بیش از حد محدود است.

تعاریفی که من در این کتاب به کار خواهم گرفت صورت‌های مختلف یکدیگرند. یکی از آنها این است: رابطه میان اهداف یک پژوهش با داده‌ها، مفاهیم و شکل‌های استدلالش، و توجیه<sup>۴</sup> آنها؛ دیگری این است: نظام داده‌ها، مفاهیم و شکل‌های استدلال که برای حل یک مسئله به کار می‌روند و توجیه آنها.

بحث روش‌شناسی تاریخ اجتماعی در معناهایی که من به کار می‌برم به هیچ وجه گسترده نیست. کریستوفر لویڈ<sup>۵</sup> مرور استادانه‌ای بر «مکاتب» مختلف فلسفه شناخت<sup>۶</sup>

1. methodology
2. women's history
3. mass quantification techniques
4. justification
5. Christopher Lloyd
6. philosophy of knowledge

و رابطه گسترده آنها با سازوکارهای تبیینی<sup>۱</sup> مختار گروه‌های خاصی از تاریخ‌دانان اجتماعی صورت داده است. ثدا اسکاچپول<sup>۲</sup> و همکارانش درباره کاربردهای روش مقایسه‌ای<sup>۳</sup> در تاریخ اجتماعی نظریه‌پردازی کرده‌اند. تاریخ‌نگاری در یک زیررشته یا «مکتب» خاص تاریخ اجتماعی اغلب شامل اطلاعاتی است درباره هدف‌هایی که افرادی که در آن رشته فعالیت می‌کنند به نحو جمعی برای خود تعیین کرده‌اند و نیز درباره شیوه‌هایی که آنان می‌کوشند تا به کمک آنها این هدف‌ها را با استفاده از انواع خاص منابع اطلاعاتی، روش‌ها، مفاهیم و نظریه‌ها به دست آورند؛ ولی تاکنون هیچ متن جامعی، دست کم در جهان انگلیسی‌زبان، درباره اصول روش‌شناختی تاریخ اجتماعی منتشر نشده است. مجله‌های مختلفی عهده‌دار ارضای علایق تخصصی به روش‌های گردآوری و پردازش داده‌ها هستند، اما هیچ نشریه‌ای نداریم که به مسائل روش‌شناختی گسترده‌تری پردازد که تاریخ‌دانان اجتماعی با آنها مواجه می‌شوند.

به علاوه، کمتر پیش می‌آید اثری به قلم یکی از دست‌اندرکاران با مقدمه‌ای آغاز شود که به صورت نظام‌مند اهداف پژوهش را با توجه به منابع اطلاعاتی، مفاهیم و روش‌های استدلالی‌اش بیان و توجیه کند. البته استثناهایی نیز داریم. از جمله برجسته‌ترین آنها کارهایی است که به دست کلیومترست‌های<sup>۴</sup> مختلف در دهه ۱۹۷۰ درباره الگوهای اعتراض جمعی و تحرک اجتماعی<sup>۵</sup> صورت گرفته است. شاید چشمگیرترین استثنا اثر به یادماندنی جی. ای. ام. دُ سنت کروئا<sup>۶</sup>، *نزاع طبقاتی در جهان یونان باستان*<sup>۷</sup> (لندن، ۱۹۸۱)، باشد که با تأملی درازدامن و درخشان بر موضوعات روش‌شناختی، از جمله نظریه‌های طبقه، آغاز می‌شود و کاربردپذیری تحلیل طبقاتی مارکسیستی بر آن دوره را بر بنیاد مفهوم بهره‌کشی موجه می‌سازد.

بیشتر آثاری که در حجم کتاب نوشته شده‌اند یک بخش مقدماتی درباره «روش» دارند، ولی این بخش مقدماتی معمولاً از سه یا چهار صفحه تجاوز نمی‌کند

1. explanatory

2. Theda Skocpol

3. comparative method

4. cliometricians

5. social mobility

6. G. E. M. de Sainte Croix

7. *The Class Struggle in the Ancient Greek World*

و به بحثی درباره منابع محدود می شود و شاید توضیحی کوتاه درباره نظریه و آثار برجسته این حوزه بیاورد - مفاهیم، روش های استدلال، و توجیه آنها کنار گذاشته می شود تا خودشان در بدنه اصلی متن آشکار شوند. به علاوه، با ادامه کتاب به ندرت می بینیم که وقتی مسائل عمده در مفاهیم، نظریه، شواهد و چارچوب تحلیلی پیش می آید (که به ناگزیر پیش می آید) مؤلف آنها را تشخیص دهد و بعد هم گزینه هایی برای حل هر مسئله و دفاع از راه حل مرجع خود طرح کند. مراد این نیست که بگویم تاریخ دانان اجتماعی عموماً به مسائل مربوط به مفاهیم، نظریه، شواهد، و چارچوب تحلیلی، وقتی در متن ظاهر می شود، توجه ندارند و هرگز راه حلی ارائه نمی کنند؛ بلکه عکس این امر صادق است. آنچه می خواهم بگویم این است که شیوه ای که آنان درباره این موضوع ها می نویسند بیشتر ضمنی و موردی است تا صریح و نظام مند. جالب اینجاست که افزایش علاقه به آنچه «نظریه» خوانده می شود تفاوت چندانی در عمل ایجاد نکرده است: <sup>(۳)</sup> نظریه، از دید بیشتر تاریخ دانان اجتماعی، نظامی از تعمیم ها یا مجموعه ای از گزاره ها درباره جهان است. به ندرت پیش می آید به بحث انتزاعی درباره مسائل روش شناختی ای که به هنگام صورت بندی، اثبات، و آزمون گزاره ها و تعمیم ها با آنها مواجه می شویم نظریه بگویند.

ولی آیا رهیافتی خودنگرانه تر<sup>۱</sup> به روش شناسی اجتماعی و تاریخی تاریخ اجتماعی امکان پذیر، ثمربخش، یا لازم است؟ از آنجا که برخی دست اندرکاران ممکن است در پاسخ «نه» بگویند، سعی خواهم کرد بر استدلال هایشان پیشی بگیرم [و پاسخ هایی فراهم آورم].

۱. reflective، معادل دقیق این واژه در فارسی «انعکاسی» یا «بازتابی» است و معمولاً در جایگاه صفت برای نوعی از اندیشیدن به کار می رود. در مقام تمثیل، این صفت حاکی از وضعیتی است که در آن «گویی یک اندیشه در برابر آینه می ایستد و به خود می نگرد». به همین دلیل و برای روشنی بیشتر، در این متن به «خودنگرانه» ترجمه شده است. در چند پاراگراف بعدی نیز، چنان که خواهید دید، بحث بر سر همین خودنگری تاریخ اجتماعی در روش شناسی خودش است (م).

یکی از چنین استدلال‌هایی این است که رهیافت خودنگرانه‌تر امکان‌پذیر نیست. تاریخ اجتماعی در جایگاه رشته [ای علمی] فاقد هر گونه وحدتی است، و در واقع اصلاً وجود ندارد، زیرا از شمار بسیار زیادی از زیررشته‌ها و «مکاتب» گوناگون تشکیل شده است. فهرستواره این زیررشته‌ها و مکاتب‌ها از این قرارند: تاریخ جرم، ذهنیت، خانواده، جمعیت‌شناسی، روابط جنسی<sup>۱</sup>، فرهنگ همگانی، زنان، جنسیت، کودکان، اعتراض همگانی، فقر، دهقانان، حساسیت، سلامت و دارو، رژیم غذایی و مصرف، کار، شهرک‌ها، سازمان اجتماعی، ورزش و تفریح، «مکتب» آنال<sup>۲</sup> و تاریخ خردنگر<sup>۳</sup> و بسیاری موارد دیگر؛ ولی به گمان من این استدلال پذیرفتنی نیست. هر یک از علوم اجتماعی نیز به زیررشته‌های بی‌شماری تقسیم می‌شود؛ و هیچ یک، به استثنای اقتصاد، رشته‌ای «پارادایمی»<sup>۴</sup> نیست (مبنتی بر اجماع بر سر اعتبار نظریه‌های کانونی<sup>۵</sup>ش: اینکه طرز عمل قلمرو اجتماعی چگونه است، اینکه چه موجوداتی در قلمرو اجتماعی وجود دارند، اینکه چگونه باید قلمرو اجتماعی را مطالعه کرد، و همچنین اینکه چه مسائلی نیازمند پژوهش‌اند)، چه رسد به اینکه واژگان استاندارد برای اصطلاحات فنی داشته باشد. با این حال، [هیچ کدام از اینها] مانع راه‌اندازی مجله‌ها، انتشار متون درسی و برپایی دوره‌های دانشگاهی در موضوع فلسفه علوم اجتماعی با یک گرایش روش‌شناختی استوار، نشده است.

استدلال محتمل دیگر این است که رهیافت دقیق‌تر به روش‌شناسی بی‌نمر است. ما به گذشته چنان که بوده دسترسی بی‌واسطه نداریم، آنچه درباره گذشته می‌گوییم کاملاً ذهنی<sup>۶</sup> است و همه گزارش‌هایمان از گذشته داستانی<sup>۷</sup>‌اند، و اگر فکر کنیم که رهیافتی خودنگرانه‌تر به روش‌شناسی ماجر را عوض می‌کند، خود را فریب داده‌ایم. این نوع استدلال بسیار متداول شده است. این استدلالی است که نظریه پردازان پسامدرن بر آن تأکید کرده‌اند، و تعداد قابل توجهی از صاحب‌نظران

1. sex
2. Annales
3. microhistory
4. paradigmatic
5. core theories
6. subjective
7. fictional

از آن پیروی کرده و آن را جدی گرفته‌اند. در کانون این استدلال یک مفهوم نسبیت‌باورانه جای دارد، مبنی بر اینکه عینیت<sup>۱</sup> ناممکن است، مشاهده‌های ما از گذشته (یا از هر چیزی مربوط به آن) «وابسته به گفتمان»<sup>۲</sup> است و به واسطه تصوراتی<sup>۳</sup> که در ذهنمان هستند از پیش تعیین شده است؛ تصوراتی که به کمک دلالت‌های ضمنی<sup>۴</sup> زبان در جامعه یا زیرگروهی که عضو آن هستیم به ثبات می‌رسند. همین مفهوم نسبیت‌باورانه غالباً به شیوه‌های دیگر نیز بیان می‌شود. اغلب در نظریه دور هرمنوتیکی در مورد تفسیر با این امر مواجهیم که آنچه مردم می‌بینند و چگونگی تفسیرشان از آنچه می‌بینند بر اساس آنچه در حال حاضر می‌دانند و تفسیرهای موجودشان از پیش تعیین می‌شود (از پیش شکل می‌گیرد). همچنین در این دیدگاه گفته می‌شود که «مشاهده، نظریه‌بار<sup>۵</sup> است»، به این معنا که ما شواهد را مطابق با باورها، نظریه‌ها و پابندی‌های ایدئولوژیک پیشینمان انتخاب و سازمان‌دهی می‌کنیم. اما این مفهوم نسبیت‌باورانه بنیادی، صرف نظر از شکل بیانش، چیز واحدی است: ما نمی‌توانیم جهان را چنان که هست (خواه جهان طبیعت و خواه جهان اجتماعی کنونی) یا چنان که بوده (جهان اجتماعی گذشته) درک کنیم، زیرا مشاهدات ما بر پیش‌فهم‌هایمان استوارند.

ماهیت دقیق مدعیاتی که نسبیت‌باوران مطرح می‌کنند غالباً ناروشن است. میان این سخن که پیش‌فهم‌ها مشاهدات ما را از گذشته شکل می‌دهند و بر آنها اثر می‌گذارند، و این سخن که آنها مشاهدات ما را تعیین می‌کنند<sup>۶</sup> تفاوتی بنیادین است. کاملاً موافقم که شیوه‌هایی را که بر اساس آنها به گذشته می‌نگریم پیش‌فهم‌ها شکل می‌دهند و در نتیجه دستیابی به عینیت تام ناممکن است. ولی این سخن به این معنا نیست که ما نباید برای دستیابی به عینیت تلاش کنیم، همچنین معنای این سخن آن نیست که درباره هر چیزی عقاید بی‌شمار وجود دارد. همان طور که در بخش‌های

1. objectivity
2. discourse-dependent
3. idea
4. connotations
5. theory-laden
6. preconception
7. determined

بعدی این کتاب نشان خواهیم داد، با اینکه دانستن «حقیقت» درباره گذشته اجتماعی، به معنای مطلق، ناممکن است، می‌توانیم، تحت شرایط خاصی، درباره آن گزاره‌هایی را بیان کنیم که به درجات مختلف قابل اعتماد باشند.

مدعای بزرگ‌تری که می‌گوید مشاهدات ما را پیش‌فهم‌ها تعیین می‌کنند، اساساً قابل دفاع نیست. یک دلیلش اینکه این مدعا خودشکن<sup>۱</sup> - نامنسجم - است. از آنجا که گزاره «همه مشاهدات را پیش‌فهم‌ها تعیین می‌بخشند» خود یک مشاهده است، [پس] آن را هم باید پیش‌فهم‌هایی تعین بخشیده باشند. گزاره «هیچ کلمه‌ای وجود ندارد» نمونه‌ای از این دست مدعیات است؛ یا کتاب مشهور برضد روش (لندن، ۱۹۷۵)، نوشته فیلسوف نسبی‌گرای علم، پاول فایرابند [نمونه دیگری] است که از روش‌های استاندارد استدلال استقرایی و قیاسی استفاده می‌کند تا همه آن روش‌های استدلالی را که مدعیاتی درباره شناخت مطرح می‌کنند مردود اعلام کند. البته پسامدرن‌های سرسختی که مدعی امتناع دستیابی به عینیت‌اند ممکن است بگویند که از پیامدهای منطقی ادعای خودشان در امان‌اند؛ ولی اگر چنین بگویند، باید توضیح دهند که چرا از این موقعیت ممتاز برخوردارند، یا اینکه باید بپذیرند که دیگران هم از پیامدهای منطقی مدعیاتشان معاف باشند. دلیل دیگری که می‌توان آورد این است که این ادعای بزرگ با تجربه پژوهشی خود ما همخوانی ندارد. اگر انتظارات ما تعیین‌کننده مشاهده بودند، هرگز متوجه نقص‌ها (داده‌هایی که با پیش‌فهم‌هایمان ناسازگارند) نمی‌شدیم، هرگز هنگامی که با منابع دست اول مواجه می‌شدیم تغییر عقیده نمی‌دادیم، و هرگز از آنچه در آنها می‌دیدیم شگفت‌زده نمی‌شدیم. اما آشکار است که ما غالباً متوجه نقص‌ها می‌شویم، در نتیجه تغییر عقیده می‌دهیم، و به رغم پیش‌فهم‌هایمان اکتشافات شگرفی می‌کنیم.

استدلال محتمل دیگر این است که روش‌شناسی خودآگاهانه<sup>۲</sup> برای تاریخ اجتماعی لازم نیست، زیرا از تاریخ «کهن» مجموعه‌ای تثبیت‌شده و کارآمد از عرف‌های ناظر بر چگونگی مطالعه گذشته را به ارث برده است، عرف‌هایی که بنا به

1. self-refuting

2. self-conscious

ضرورت و به نحوی مناسب اقتباس شده‌اند تا با نیازهای خاص تاریخ‌دانان اجتماعی سازگار شوند. برخی از این عرف‌ها شامل قواعد بنیادی دانشوری‌اند - مانند «مشخص کردن تکلیف واقعیت‌ها»<sup>۱</sup>، مطالعه همه منابع مرتبط، فراهم آوردن منابع کافی، ارائه چکیده‌هایی معتبر از جزئیات واقعی، نقل قول دقیق، و اطمینان از اینکه نقل قول‌ها با متن بی‌ارتباط نیستند. دیگر عرف‌ها به شیوه‌های بررسی وثوق متون و دقت و درستی شهادت‌هایشان از طریق «نقد بیرونی و درونی منابع»<sup>۲</sup> مربوط‌اند. همچنین عرف‌هایی وجود دارد: درباره اینکه تاریخ‌دانان اجتماعی چه چیزی را باید مطالعه کنند (معمولاً جمعیت‌های بزرگ آدمیان و مقولات<sup>۳</sup> اجتماعی سازنده آنها که متشکل از عناصر فرعی‌اند)؛ درباره نیاز به بازنمایی درست مردمانی که «در تاریخ از یاد رفته‌اند» (مثلاً زنان و اقلیت‌های قومی)؛ درباره نیاز به اجتناب از زمان‌پریشی<sup>۴</sup>؛ درباره زمینه‌های اصلی‌ای که تبیین‌های تاریخی اجتماعی بر مبنای آنها باید ارزیابی شود؛ و درباره تعهد به مستندسازی محتویات اصلی پژوهش با شواهد تجربی، متمایز ساختن عقاید از واقعیات، و ارائه استدلال‌های منسجم.

چقدر این استدلال قابل دفاع است؟ تردیدی نیست که برخی از این عرف‌ها به خوبی تعریف و وضع شده‌اند و لازم‌اند - به ویژه عرف‌هایی که به قواعد بنیادی دانشوری تاریخی مربوط‌اند. به علاوه، هر چند فنون استاندارد نقد بیرونی و درونی منابع چنان که باید و شاید نزد تاریخ‌دانان اجتماعی به گسترده‌گی به کار نمی‌رود، ولی اینها سودمندترین شیوه‌هایند - و برخی از دست‌اندرکاران آنها را به نحوی کاملاً خلاقانه جرح و تعدیل کرده‌اند تا مسائل مربوط به شواهد خاص تاریخ اجتماعی را حل کنند. اما بسیاری دیگر از عرف‌ها چندان سودمند نبوده‌اند. برخی بسیار سست‌اند

1. getting the facts straight

2. external and internal source criticism

۳. نویسنده به کرات از واژه category در متن استفاده کرده است و آن را در معانی مختلفی به کار می‌گیرد. ما نیز در ترجمه، واژه واحد «مقوله» را برای همه این معانی به کار می‌گیریم تا مبادا خلط و اشتباهی رخ دهد. معادل‌های دیگری که می‌توانید به جای این کلمه بگذارید عبارت‌اند از «دسته»، «گروه»، «طبقه»، «رده» و همانند اینها (م).

4. anachronism

و به هیچ وجه شفافیت ندارند. برخی دیگر چنان استلزامات منطقی‌ای دارند که پیروی از آنها را، اگر نگویم ناممکن، دست کم دشوار می‌سازد. به علاوه، تعدادی از این عرف‌ها که در بافت تاریخ «کهن» به خوبی عمل می‌کنند، بدون هیچ تغییری در تاریخ اجتماعی به کار رفته‌اند، حال آنکه در اینجا کارایی لازم را ندارند. برای توضیح نکته اخیر، آن را در بافتی گسترده‌تر بررسی می‌کنم. تاریخ اجتماعی، مطابق با یکی از این عرف‌ها، به طور کلی (ولی اساساً نه همیشه) با رفتار، کنش‌ها، آداب و رسوم، میل‌ها و ارزش‌های توده عظیم مردمان فرودست سروکار دارد. اما درک این مردم اساساً برای تاریخ‌دان اجتماعی تقریباً همیشه دشوار است، زیرا فرهنگشان با فرهنگی که تاریخ‌دان اجتماعی بدان تعلق دارد بسیار متفاوت است. همچنین میزان اطلاعات موثقی که تاریخ‌دانان اجتماعی می‌توانند درباره این فرهنگ‌ها کشف کنند اساساً اندک است، زیرا آنان معمولاً درباره خود اسناد اندکی به جا می‌گذارند. نکته پایانی این است که ارائه تعمیم‌های معقول درباره آنها از بیخ‌وین مشکل است، زیرا تاریخ‌دان اجتماعی معمولاً می‌خواهد درباره همه مردم جامعه و نه درباره تعداد اندکی از افراد آن دست به تعمیم بزند؛ ولی مضمون تاریخ سنتی زندگی‌نامه‌ای، سیاسی، فکری، و دیپلماتیک کاملاً از قماش دیگری است. در نتیجه روش‌هایی که دست‌اندرکاران تاریخ «کهن» پرورانده‌اند تا مسائل برخاسته از موضوع پژوهش خود را حل کنند، برای حل مسائلی که در موضوع پژوهش تاریخ‌دانان اجتماعی پیش می‌آید کارآمد نیست. سنت گرایان برای درک ذهنیات گروه نخبگانی که آنها را مطالعه می‌کنند، از شیوه «غرق کردن خود در اسناد» بهره می‌برند، اسنادی که این گروه نخبگان [خود] تولید کرده‌اند، ولی چگونه تاریخ‌دانان اجتماعی می‌توانند از این شیوه پیروی کنند، در حالی که قسمت عمده منابع موجود درباره ذهنیات این مردمی را که قرار است بشناسند خود آن مردم ایجاد نکرده‌اند، بلکه عناصر مسلط و نهادهایشان تولید کرده‌اند؟ از این گذشته، روشی که سنت‌گرایان برای تأیید دعاوی خود به کار می‌گیرند این است که چند مثال مرتبط بیاورند؛ ولی همین روش هنگامی که تاریخ‌دانان اجتماعی آن را به کار می‌گیرند چیزی را اثبات نمی‌کند، زیرا دعاوی آنان معمولاً به گروه‌های بزرگ مردم اشاره

دارد، نه به یک فرد خاص، چند شخصیت مهم، نهادی خاص یا شمار اندکی از نهادها. با این حال، همان طور که این کتاب نشان خواهد داد، تاریخ دانان اجتماعی تمایل داشته‌اند هر دو شق این عرف‌ها را بدون اعمال اصلاحات کافی در موضوع پژوهش‌شان به کار ببرند. آنان به اشتباه گمان کرده‌اند که چون این عرف‌ها در حوزه تاریخ «کهن» خوب عمل می‌کنند، [پس] باید در خور تاریخ اجتماعی هم باشند.

قصد این کتاب نه انتقاد از این عرف‌ها و نه انتقاد از دست‌اندرکارانی است که آنها را بدون خودنگری به کار می‌برند. به جای این کار، در پی اهداف ایجابی دیگری است. یکی از این اهداف معرفی شیوه‌هایی است که بر اساس آنها بسیاری از این عرف‌ها را می‌توان ساده، روشن، کارآمد و غنی ساخت. هدف دیگر، که با هدف نخست پیوند دارد، طرح هفت مسئله روش‌شناختی استاندارد است که در پژوهش‌های تاریخ اجتماعی رخ می‌نمایند و طرح کلی گزینه‌هایی برای حل هر کدام از آنها. همچنین تلاش خواهم کرد نشان دهم که چرا برخی راهبردها و رویه‌ها برای پرداختن به این مسائل از برخی دیگر بهترند؛ اما هدف کلی من این است که خوانندگان را متقاعد کنم که نوآوری و مهارت روش‌شناختی اغلب همان قدر برای رشد شناخت مهم است که توانایی صورت‌بندی فرضیه‌های اصلی و کشف منابع جدید و غنی داده‌های خام مهم است؛ و اینکه می‌توانیم با آگاه‌تر شدن از اصول روش‌شناختی، استدلال‌های بهتری به نفع مدعیانمان بسازیم، پژوهشمان را هدفمندتر طراحی کنیم، سؤال‌های دقیق‌تری بپرسیم، بهتر بفهمیم که در متون دیگران چه می‌گذرد، و آثار خودمان را جذاب‌تر کنیم.

قبل از طرح کلی این هفت مسئله استاندارد باید چند نکته را روشن کنم. اولاً، این کتاب درباره روش‌های تحقیق یعنی تکنیک‌های گردآوری و تدوین و پردازش داده‌ها نیست. ثانیاً، این کتاب برای دانشجویان دوره‌های عالی نوشته شده است، به ویژه دانشجویانی که درگیر تهیه پایان‌نامه‌اند، به اضافه همه متخصصانی که رهیافتی مسئله‌مدار<sup>۱</sup> به تاریخ اجتماعی دارند. با این همه، این کتاب چندان به کار

پسامردن‌های افراطی نمی‌آید، زیرا من، بر خلاف آنها، با این فرض آغاز می‌کنم که جهانی مستقل از تصورات و زبان ما وجود دارد و به علاوه ما می‌توانیم آن را بشناسیم، هر چند در بیشتر موارد به دشواری. همچنین بخش عمده این بحث تحت تأثیر فلسفه علم و علوم اجتماعی بوده است؛ با این حال هر جا که احساس کرده‌ام اشاره به موضوعات فلسفی گسترده‌تر ضروری است کوشیده‌ام بحث را ساده و مختصر و برکنار از زبان تخصصی پیش ببرم، زیرا این کتاب درباره فلسفه شناخت نیست و مخاطبش نه فیلسوفان بلکه تاریخ‌دانان اجتماعی‌اند. با همه اینها اصطلاحات و مفاهیم فنی بسیاری را به کار برده‌ام، و چون ممکن است خوانندگان با بسیاری از آنها آشنا نباشند، اصطلاحات مبهم‌تر را (هنگامی که نخستین بار در متن می‌آیند) پررنگ کرده‌ام و تعریف آنها را در واژه‌نامه پایان کتاب به دست داده‌ام. به علاوه، در پایان هر فصل فهرستی مشروح و بسیار گزیده از آثار مرتبط را برای مطالعه بیشتر آورده‌ام.

برای روشن‌تر کردن بحث مربوط به هر مسئله، تقریباً در هر فصل نکاتی همراه با تحلیل شمار اندکی از آثار صاحب‌نظران بیان خواهد شد. در برخی موارد به کل اثر اشاره خواهم کرد و در برخی دیگر به بخشی از اثر. مکرراً، نشان خواهم داد که این آثار به چه نحو مثال نوعی مسئله مورد نظر هستند و اینکه گاه نمی‌توانند به نحوی مؤثر به آن پردازند و در نتیجه برای حل آن راهی دراز طی و گاه به نحوی رضایت‌بخش آن را حل می‌کنند. امیدوارم این کار موجب ایجاد فهمی انتقادی از شماری از آثار مهم در دانشجویانی شود که شاید راجع به آن آثار چیزی ننشیده‌اند، یا آنها را خوانده‌اند ولی عمیقاً مطالعه نکرده‌اند. گرچه حرف زدن از منابع دست اول هر اثر، به صورت تفصیلی، خارج از توانایی (و تخصص) من است، مسلماً این امر بدین معنا نیست که مسائل روش‌شناختی کاری به ساماندهی منابع دست اول ندارند - بر عکس. بررسی منابع دست اولی که مؤلف به کار برده است یا پژوهش درباره منابع جدید همواره پرسش‌های روش‌شناختی بیشتری پیش خواهد کشید.